

رفیق عباس تنکابنی قزوینی تبار

رفیق عباس در سال 1333 در شهر قزوین به دنیا آمد. هنوز در سنین کودکی بود که پدرش در نتیجه بیماری و به علت تنگ دستی و نرسیدن به موقع به پزشک، در گذشت. این مسئله باعث شد که عباس از سن 10 سالگی برای تأمین معاش خانواده اش به کارهایی چون بنائی، نقاشی ساختمان و کارگری روی آورد. او ضمن تحصیل کار می کرد و در همین دوره با رنج و سختی خو گرفت و رشد یافت و آموخت که چگونه باید متکی به خود با سختی ها مبارزه کند. عباس در سال 55 پس از اخذ دیپلم و پایان دوره سربازی، وارد مدرسه عالی ساختمان گردید. در آنجا علاوه بر تجربه و فقدان رابطه با سازمان های سیاسی، به همراه سایر همزمانانش، محفلی را سازمان داد و به آگاهگری در میان دانشجویان پرداخت. تنها در نتیجه کوشش های او و یارانش بود که مدرسه عالی ساختمان (که قبلاً در آن فعالیت قابل توجهی صورت نگرفته بود)، در جریان سال های پیش از انقلاب تحرکی یافت و فعالانه در مبارزات سال 57 شرکت نمود.

با اوج گیری مبارزات توده ها در سال 57، عباس با شوری وصف ناپذیر در تظاهرات مردم شرکت می جست. او همیشه در کوچه و خیابان در هر حرکتی نقشی فعال به عهده می گرفت و در همین دوره نیز با مارکسیسم - لنینیسم آشنا گردید و در سال 58 به یکی از محافل اولیه سازمان پیوست. او که در همین سال وارد دانشکده حقوق دانشگاه ملی گردیده بود، مسئولیت سازمان دهی هواداران سازمان در این دانشگاه را به عهده گرفت. او با تلاشی تحسین انگیز نمایشگاه های عکس متعددی مربوط به کشتار خلق گرد در دانشگاه ملی و نقاط مختلف تهران برپا نمود. عباس رفیقی بسیار صمیمی بود و خیلی زود با مردم جوش می خورد. به طوری که نزدیکانش او را مظهر اخلاق انقلابی می دانستند. او در دوره ای که مسئولیت فروش نشریات سازمان و بساط تبلیغی در محله نازی آباد را به عهده داشت، آن چنان محبوبیتی در میان مردم به دست آورده بود که هنگام حمله اوباش حزب اللهی به بساط سازمان های سیاسی، مردم از او حمایت می کردند. عباس علاوه بر این در میان پیش روان و روشن فکران اقلیت ارمنی نیز از محبوبیت زیادی برخوردار بود و از نزدیک با مسائل آرامنه ایران آشنائی داشت و در تنظیم اساسنامه

محافل مترقی و انقلابی ارمنی فعالانه شرکت نمود. عباس رفیقی جسور و خستگی ناپذیر بود. او در جریان یورش ارتجاع به دانشگاه ها، تمام شبانه روز را در دانشگاه ملی گذراند و به سازمان دهی مقاومت در سنگر دانشگاه پرداخت و پس از آن نیز به صفوف مقاومت در دانشگاه تهران پیوست. سرانجام رفیق عباس در 23 مهرماه 60 دستگیر گردید و پس از تحمل شکنجه های بسیار، بی آن که قفل از سینه اسرار بردارد، با مقاومت پهلوانانه خود، پوزه دشمن را به خاک مالید و بدین سان، رمز پیروزی را با ستم دیدگان و لگد مال شدگان، در میان گذاشت.